

انسان‌شناسی تأثیرات اقتصادی گردشگری در مازندران

سحر جعفر صالحی^۱ * معصومه اشتیاقی^۲ * محمد فاضلی^۳

چکیده

گردشگری در مازندران به‌مثابه استراتژی ایده‌آل توسعه در نظر گرفته می‌شود. آمارها نشان می‌دهند، درآمد حاصل از گردشگری در این استان گاه تا بیش از ۵ برابر کل بودجه استانداری بوده است. با وجود این، در نگاهی انسان‌شناختی درمی‌یابیم، گردشگری به‌مثابه یک برنامه در توسعه اقتصادی موفق محقق نشده است. منافع اصلی حاصل از اقامت و پذیرایی گردشگر عمدتاً نصیب سرمایه‌گذاران غیربومی می‌شود و بنابراین اقتصاد محلی چنانکه باید سودمند نیست. از سوی دیگر، شیوه‌های معاش بومی به‌واسطه فعالیت در بخش خدمات گردشگری در حال نابودی هستند. جان باختن تدریجی کشاورزی و فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی و هنر بومی از جمله مهم‌ترین این موارد است. در مقاله حاضر با رویکرد انسان‌شناسی، گردشگری بررسی شده و به تبع آن، با استفاده از روش‌های کیفی همچون مصاحبه و مشاهده مشارکتی به بررسی تأثیرات اقتصادی گردشگری در مازندران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: گردشگری، انسان‌شناسی گردشگری، اقتصاد گردشگری، روش کیفی و زوال اقتصاد بومی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره چهارم • پاییز ۱۳۹۱ • صص ۸۵-۶۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۶

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، مدرس دانشگاه علمی کاربردی گل‌دشت-کلاردشت، نویسنده مسئول (s12salehi@yahoo.com).
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (m.eshtiagi2012@gmail.com).
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (fazeli114@yahoo.com).

مقدمه

امروزه گردشگری به یک صنعت پررونق اقتصادی برای کشورهایی که دارای جاذبه‌های سیاحتی هستند، تبدیل شده است. طبق آمار در سه دهه اخیر، صنعت گردشگری در سطح جهانی، رشد چشمگیری داشته است. این صنعت با ایجاد اشتغال برای بیش از ۲۰۰ میلیون نفر حدود ۱۲ درصد از کل اشتغال جهانی را به خود اختصاص داده است و نقش مهمی در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند (شکرگزار، ۱۳۸۹). از این رو، بسیاری گردشگری را فرصتی منحصر به فرد اقتصادی می‌دانند. به ویژه در مناطق ساحلی، گردشگری دارای پتانسیل بی‌حد و حصر رشد اقتصادی است، چراکه به افزایش درآمدهای مبادله خارجی و افزایش تولید ناخالص سرانه ملی منجر می‌شود (Crick, 1989). به اعتقاد برخی، توسعه این نوع گردشگری، از عوامل مؤثر در شکل‌الگوی توسعه نواحی ساحلی، و تأمین‌کننده مزایای مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی برای میزبان است (شکرگزار، پیشین). با وجود این، در چند دهه اخیر با توجه به بعد پایداری گردشگری، نشان داده شده است که گردشگری در بسیاری مناطق به مثابه برنامه‌ای در جهت توسعه اقتصاد کلان موفق عمل نکرده است. اساساً در رویکردهای توسعه پایدار، بررسی نقش گردشگری در توسعه منطقه‌ای و محلی عموماً از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی صورت می‌گیرد، چراکه ابعاد گردشگری، پایدار لازم و ملزوم یکدیگرند و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.

در ادبیات گردشگری موضوعات اصلی پایداری اقتصادی شامل منافع اقتصادی، متنوع‌سازی اقتصاد محلی، رشد اقتصادی کنترل شده، بهبود روابط محلی و منطقه‌ای و توزیع عادلانه منافع اقتصادی در اقتصاد محلی است. همچنین بعد اقتصادی پایدار گردشگری، بر درآمد مناسب، ثبات قیمت کالاها و خدمات و برابری فرصت‌های شغلی در جامعه دلالت دارد. در این راستا، طرفداران پارادایم سنتی گردشگری انبوه، هدف اصلی توسعه گردشگری را به حداکثرسانی منافع اقتصادی آن می‌دانند. از سوی دیگر،

طرفداران گردشگری پایدار معتقدند که نرخ رشد توسعه گردشگری باید در حد و سازگار با ظرفیت‌های جامعه باشد و منابع طبیعی و فرهنگی در معرض خطر را بازیابی کند (قدمی، ۱۳۹۰: ۶۴).

توسعه گردشگری^۱ در استان مازندران نیز با این تصور که موجب رونق اقتصادی و کاهش فقر در استان می‌شود، همچنین تأثیر بسزایی در افزایش درآمد و کاهش بیکاری و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی دارد، در حال گسترش روزافزون است^۲ (شکرگزار، پیشین: ۲۲۰). پس از چند دهه برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات توسعه‌ای، آگاهی گسترده‌ای نسبت به خطاهایی که در این زمینه صورت گرفته حاصل شده است. به مدد این تجربه، درمی‌یابیم که رشد اقتصادی و افزایش سرانه درآمدها خود به خود سبب توسعه نمی‌شود، اقدامات توسعه‌ای آثار مخربی نیز داشته‌اند و تداوم این وضعیت ممکن نیست، سیاست رشد اقتصاد به هدف نفوذ به پایین نتیجه مثبتی نداشته است، آشتی دادن منافع ملی و منافع محلی گروه‌های متأثر از اقدامات توسعه‌ای به سادگی صورت نمی‌گیرد، اقدامات توسعه‌ای صرفاً کنش‌هایی اقتصادی و فنی نیستند و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای دارند که بنا به ماهیت هر اقدامی می‌توانند حتی فواید آن اقدام را نیز در سایه تردید قرار دهند. اقدامات توسعه‌ای پیامدهای ناشناخته و گاه

۱. مازندران سالانه از ۳۲ میلیون گردشگر داخلی و ۵/۱ میلیون گردشگر خارجی، پذیرای بیش از ۱۲ میلیون گردشگر داخلی و ۸۰ هزار گردشگر خارجی است (تبریزی و کلانتری، ۱۳۸۹: ۶۰ و ۶۱).

۲. از سال ۱۳۴۵، مازندران رفته رفته به یکی از قطب‌های جذاب گردشگری مبدل شده است. مطابق با سالنامه آماری استان گردشگری، به‌ویژه در دهه ۱۳۸۰ در منطقه رونق بیشتری یافته است، چنانکه در ۱۰ سال گذشته با رشد چشمگیر مسافرت‌ها، گسترش سرمایه‌گذاری در بخش هتل‌ها و مراکز خرید، گسترش سیستم حمل‌ونقل و غیره روبه‌رو هستیم. اقتصاد منطقه در حال حاضر به‌طور روزافزونی وابسته به حضور گردشگران است. اقتصاد این استان به‌صورت سنتی متکی بر کشاورزی (به‌خصوص مرکبات و برنج)، ماهیگیری و دامداری بوده است، اما شرایط در سال‌های اخیر دگرگون شده است، چنانکه در سال ۱۳۸۸ سهم کشاورزی در اشتغال ۲۲/۷ درصد، صنعت ۳۰/۲ درصد و خدمات ۴۷/۲ درصد در کل استان مازندران بوده است (عسگری و دیگران، ۱۳۸۹).

میزان بیکاری در این استان با توجه به منابع عظیم طبیعی کشاورزی، پرورش دام و طیور، ماهیگیری و همچنین پتانسیل‌های فراوان گردشگری به نحو شگفت‌آوری بالا است. مطابق با سالنامه آماری استان، نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۳۸۸ برابر با ۳۶/۷ و نرخ بیکاری جوانان ۲۳/۹، سهم اشتغال ناقص ۹/۹ درصد است. شکل‌گیری فرصت‌های شغلی به‌واسطه رشد صنعت گردشگری یکی از نکات مثبت در بزرگ‌نمایی بهبود اقتصاد محلی است. ضریب اشتغال نسبتاً پایین تأسیسات اقامتی و وابستگی شدید فعالیت‌های گردشگری به فصل تابستان و رکود نسبتاً طولانی در فصول پاییز و زمستان از ویژگی‌های ناپایداری مشاغل وابسته به توریسم در استان است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

۳. در نوروز ۱۳۸۸، نه میلیون و صد هزار نفر به مازندران سفر کرده و مازندران ۶۰۰ میلیارد تومان از این سفر درآمد داشته است (رضایی، ۱۳۹۰: <http://toloe5.blogfa.com/9008.aspx>).

درازدتی دارند که توجه به تجربه توسعه برای مقابله با آنها ضروری است (فاضلی، ۱۳۸۹: ۳۸ و ۳۹). آنچه گفته شد ما را بر آن می‌دارد تا عقلانیت همه‌جانبه و پیچیدگی پیامدهای ناشی از اتخاذ سیاست گسترش گردشگری را مدنظر قرار دهیم.

اینکه هزینه‌های ناشی از کسب منافع اقتصادی را چه کسانی می‌پردازند و منافع آن عاید چه کسانی می‌شود و مبادله عادلانه‌ای در قبال گسترش گردشگری برای جمعیت مقصد پدید می‌آید، مسائلی است که باید به آن پرداخت. در یک صورت‌بندی کلی در این مقاله، درصدد پرداختن به پیامدهای ناشی از تغییرات اقتصاد گردشگری در مازندران هستیم. این پژوهش، سعی دارد بر مبنای تحلیل گردشگری به‌مثابه توسعه، پیوست‌های منفی واقعیت‌های اقتصادی موجود در روند گردشگری مازندران را به چالش بکشد. پرسش‌هایی که به‌طور ویژه مورد نظر این پژوهش هستند، عبارتند از:

۱. آیا توسعه گردشگری در مازندران به توسعه و بهبود امکانات ساختاری زندگی ساکنان بومی انجامیده است؟
۲. مهم‌ترین تأثیرات منفی اقتصادی گردشگری در مازندران چیست؟

۱. انسان‌شناسی تأثیرات اقتصادی گردشگری

در بررسی تأثیرات گردشگری، انسان‌شناس‌ها غالباً به نوشتن شرح‌های اتنوگرافیک یا پرداختن به رویکرد کلان انسان‌شناسی اقتصاد سیاسی درباره اینکه «چگونه گردشگری در یک دامنه وسیع روی اجتماعات میزبان تأثیر می‌گذارد»، علاقمند هستند (Jafari, 1990). در کل، انسان‌شناس‌ها معتقدند که گردشگری به دلایل مختلف نقش عمده‌ای در تعیین سرنوشت میزبانان به‌سوی توسعه یا برعکس به‌سوی نابودی خواهد داشت. برای مثال به‌لحاظ اقتصادی، گردشگری ممکن است منجر به توسعه منطقه‌ای یا توسعه به سود عده‌ای خاص شود. به‌لحاظ فرهنگی، مردمان بومی ممکن است در مقابل گردشگری از خود و سنت‌هایشان خجالت بکشند یا به آنها مباحثات کنند. در نهایت توسعه گردشگری به تشویق محافظت از محیط زیست یا به تخریب آن منجر می‌شود. با وجود مطرح شدن هر دو سویه جنبه‌های مثبت و منفی، به نظر می‌رسد رویکرد کلی محققان انسان‌شناس به تأثیرات گردشگری عمدتاً منفی است. اشاره راسل^۱ (۱۹۸۸) به اینکه «گردشگران جاذبه‌های

1. Rossel

اجتماعی و فرهنگی را نابود می‌کنند» تمایل عمومی انسان‌شناس‌ها را بازتاب می‌دهد (Stronza, 2001: 262). در واقع، همان‌طور که کریک می‌نویسد، گردشگری «به‌خاطر استحاله ارزش‌ها زیر آفتاب» مورد انتقاد است (Crick op. cit: 308). با این همه، امروزه با به رسمیت شناختن اکوتوریسم و دیگر گونه‌های جایگزین گردشگری، مطالعات انسان‌شناسی از تحقیر صرف گردشگری دست برداشته و به بیان نقاط قوت این گونه‌های گردشگری جدید می‌پردازند.

در مطالعات انسان‌شناسی که به تأثیرات اقتصادی گردشگری معطوف هستند، با دو رویکرد کلی روبه‌رو هستیم.

۱. رویکرد تغییرات اقتصادی: این رویکرد عمدتاً بر مبنای اتنوگرافی‌های موردی به بررسی پیوست‌های اقتصادی - فرهنگی گردشگری در یک مورد خاص می‌پردازند. تمرکز اصلی این تحقیقات، تأثیرات منفی اجتماعی - فرهنگی است که متأثر از تغییرات اقتصادی گردشگری است. از این منظر، انسان‌شناسان نشان می‌دهند که چگونه گردشگری منجر به انواع ویرانی در سطح اقتصاد محلی می‌شود. برای مثال، مطالعات موردی اتنوگرافی از مقاصد میزبان (Stronza, op. cit) در سراسر جهان نشان می‌دهند که با خلق فرصت‌های جدید، به‌واسطه گردشگری، همچنین افزایش قیمت‌ها در بخش فعالیت‌های بومی انگیزه عمومی برای ادامه این فعالیت‌ها از بین می‌رود. قطع فعالیت‌های معاش لزوماً و به خودی خود مسئله‌ساز نیست، اما وقتی جریان گردشگری افزایش می‌یابد و مردم کارهای قبلی خود را ترک می‌کنند، عمدتاً جایگزین‌های اقتصادی که برمی‌گزینند پایدار نیستند. متأسفانه این پدیده در بسیاری از موارد شایع است، چراکه گردشگری چرخه‌ای نیمه توسعه‌یافته است.

مشکل دیگری که در سطح اقتصاد محلی و در پی توسعه تجدید یافته گردشگری ظهور می‌کند، افزایش قشربندی مالی در جوامع میزبان است که در نهایت باعث تشدید تضادهای اجتماعی می‌شود. منسپرگر در میان قبیله یاپس‌ها دریافت که «رئیس قبیله درآمدهای ورودی به روستا را به اشتراک نمی‌گذارد... و پول باعث خسیس شدن مردم می‌شود، بنابراین به روح جامعه آسیب می‌رسد» (Mansperger, 1995: 90). ویکرز داستان مشابهی را در مناطقی از اکوادور بیان می‌کند که در آن، بعضی از افراد به‌عنوان دلال‌های بومی کار می‌کردند. مشکل وقتی بروز پیدا کرد که افراد دارای روحیه کارآفرینی بیشتر،

بدون اینکه رفاه گروه را در نظر بگیرند، به دنبال غنی‌سازی شخصی رفتند (Vickers, 1997). در این موارد و موارد بیشمار دیگر، به نظر می‌رسد که گردشگری به افزایش قشربندی اجتماعی و تضاد کمک می‌کند.

۲. رویکرد انسان‌شناسی اقتصاد سیاسی^۱: این رویکرد اصولاً گردشگری را شکلی از نئواستعماری در نظر می‌گیرد. این رویکرد ترکیبی از مفاهیم روابط قدرت در گردشگری (همچون روابط میزبان - مهمان)، نظریه حاشیه - مرکز و نظریه وابستگی است. رویکرد مذکور دو پیش شرط بسیار تعیین کننده دارد: ۱. لزوم تغییر مکان به زمینه و ۲. پرداختن به گردشگری در زنجیره‌ای معرفت‌شناختی از دوگانگی‌ها یا سلسله مراتب مقیاسی. استدلال کلی بر این است، همان‌طور که موضوعات مورد مطالعه انسان‌شناسی به‌طور روزافزونی به سمت جهانی شدن پیش می‌روند و در کالدهای پهن دامنه جای گرفته‌اند، نظریه‌ها و روش‌های این حوزه نیز باید تغییر یابند. این دیدگاه اساس پرداختن به زمینه گردشگری به جای تأکید بر مکانی که گردشگری در آن رخ می‌دهد را آشکار می‌سازد. در انتقاد به میچل^۲ (۱۹۸۴) که معتقد است: «بررسی انسان‌شناسی گردشگری به‌طور کلی درباره یک مورد خاص است و نه نسبت به وضعیت کلی و یا نظریه‌پردازی» (Saarinen, 2004: 163)، نولینگ و ورجین^۳ اذعان می‌دارند که تحقیق انسان‌شناسی گردشگری نیاز به تغییر رویکردی به مکان دارد و باید فراتر از تفاوت‌های مکانی و جمعیتی (کوچک یا بزرگ، مرکزی یا حاشیه) قدم بگذارد. در حقیقت از آنجایی که گردشگری به‌مثابه یک صنعت به سرعت در حال رشد و متنوع در اقتصاد جهانی مطرح است و اساس این صنعت پیش از هر چیز مبتنی بر روابط پنهان تولیدی است که از تقسیم ایدئولوژیک کار و اوقات فراغت ناشی می‌شود، باید به‌عنوان یک صنعت جهانی و جهانی شده مورد مطالعه قرار بگیرد. اما درباره اینکه چگونه انسان‌شناسی می‌تواند با تناقضات ناشی از فرایندهای تشکیل سرمایه در گردشگری مرتبط باشد، در این رویکرد بحث‌های انسان‌شناسی گردشگری با مباحثات

۱. انسان‌شناسی اقتصاد سیاسی با بررسی ارزش برنامه‌های سیاسی و اقتصادی، جنبه‌های ضمنی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی (مثلاً استفاده تحقیرآمیز از تعبیرات اسپانیای کاذب در رسانه سرگرمی آمریکا) را مقید می‌کنند. ابزارهایی مورد استفاده در این رویکرد عبارتند از: تحلیل فرایندهای تاریخی، سیاسی و جامعه‌شناختی؛ تحلیل‌هایی از مشخصه‌های ساختاری فرایندهای فراملی که بر تعامل بین سیستم سیاسی جهانی و فرهنگ بومی متمرکز هستند.

2. Mitchell

3. Neveling and Wergin

جدید درباره مقیاس و دوگانگی پیوند داده می‌شود. به این ترتیب، ابزاری تحلیلی برای پوشش دادن محدوده گسترده‌تری از برخورد، فضا، مکان، هویت، فرهنگ، سیاست و اقتصاد شکل داده می‌شود (Neveling and Wergin, 2009: 320-1).

۲. تحلیل دوگانگی روابط گردشگری یا تحلیل حاشیه/مرکز

ماهیت ساختاری «گردشگری به مثابه توسعه» از این جهت مطرح می‌شود که گردشگری به دلیل منافع اقتصادی فراوانی که در بر دارد، بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد سیاسی کشورها به شمار می‌آید. همین مسئله، گردشگری را به موضوع اصلی مطالعات انسان‌شناسان کاربردی و طیف وسیعی از انسان‌شناسان گردشگری که به مطالعه روابط جهانی - منطقه‌ای علاقمند هستند تبدیل کرده‌است. این رهیافت کلی، یعنی تحلیل توسعه گردشگری از خلال فرایند دوگانگی در روابط منطقه‌ای - جهانی حاوی یک ایده کلی است که سیستم‌های گردشگری شامل ساختارهای اقتصادی و اجتماعی غیرقابل رؤیتی هستند که اصولاً به حاشیه رانده شدن ساکنان منطقه و رونق اقتصادی به نفع عده‌ای محدود منجر می‌شوند. به بیان دیگر، گردشگری همچون هر فرایند توسعه‌ای دیگر، دارای مجموعه‌ای از تأثیر در فرم‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی است که پیامدهایی را در گستره زندگی اجتماعی انسان‌ها موجب می‌شود. برای مثال تولید درآمد و افزایش درآمد ناخالص ملی، پیامدهای نامطلوبی را در جمعیت‌های محلی به دنبال دارد (Smith, 1989). بنابراین، هر اندازه تغییرات در مرکز ملموس‌تر باشند، پیامدها در حاشیه یا مقاصد گردشگری پررنگ‌تر هستند.

در حقیقت، استدلال کلی این گروه از انسان‌شناسان تأکید بر این امر مهم است که اقتضای پدیده‌های جهانی، مطالعه جهانی است. همان‌طور که گفته شد، گردشگری از جهاتی مهم‌ترین بخش صنعتی در اقتصاد جهانی به شمار می‌رود و به ایجاد شریان‌هایی از مقادیر عظیم پول، کار، ایده‌ها و تصورات منتهی می‌شود. بنابراین لازم است در امتداد خطوط توسعه، تحرک طبقاتی و همچنین تغییر فرهنگی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد. در صحنه اقتصاد سیاسی و بازنمایی از طبیعت و فرهنگ، انسان‌شناسی تناقضات ذاتی رابطه میزبان و مهمان را به چالش می‌کشد. ریشه این بحث‌ها به روابط میزبان و مهمان بازمی‌گردد که در واقع تعاملات متعدد و تصورات متقابل را شکل می‌دهد و توضیح می‌دهد که چگونه برخی افراد، افزایش تحرک طبقاتی به واسطه گردشگری را تجربه

می‌کنند. در حقیقت، نگاه خیره گردشگر (مطرح شده توسط اوری^۱) یا نگاه از بالا به پایین در فرایند گردشگری مسلط بر روابط بین میزبان و مهمان است. در این جایگاه، گردشگری به عنوان یک زمینه تقابل اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. این تقابل هم در سلسله مراتبی مثل کوچک و بزرگ، محلی و شهری، منطقه‌ای و ملی و هم در سطح پرسش‌های وسیع تری درباره به حاشیه راندن، وابستگی و دیگر نگرانی‌ها از نقد پسااستعماری در انسان‌شناسی گردشگری به تصویر کشیده شده است (Neveling & Wergin, 2009: 318). در جدول زیر تضادهای نمادین و اقتصادی گردشگری آورده شده است.

جدول ۱. دوگانگی در روابط منطقه‌ای - جهانی گردشگری

دیدگاه منطقه‌ای	دیدگاه جهانی
توسعه انسانی پایدار	توسعه اقتصادی
گردشگری به‌مثابه سیستم	گردشگری به‌مثابه صنعت
گردشگری در فرهنگ / فرهنگ در گردشگری	گردشگری مساوی مصرف‌گرایی
منطقه‌گرایی	جهانی‌گرایی
حاشیه	مرکز
عقب‌ماندگی	مدرنیسم
هدف: مقصد مستقل و متمایز و دارای کمترین وابستگی به مرکز؛ تمرکز بر اهداف توسعه بر اساس آنچه جامعه تعیین می‌کند و نقش نهادهای اجتماعی محلی	هدف: به حداکثر رساندن وسعت بازار از راه آشنایی محصول: محصول یکدست و نامتمایز متکی به مرکز؛ تمرکز بر اهداف گردشگری تعیین شده از سوی برنامه‌ریزان خارجی و صنعت گردشگری
کل‌گرایی	فردگرایی

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تأکید این نظریه بر تضادهایی است که بین منافع عرضه‌کنندگان محصول و واسطه‌های سفر با منافع نهادهای اجتماعی و اقتصادی جوامع میزبان وجود دارد. به عبارت ساده‌تر، دغدغه اصلی حامیان این رهیافت پرداختن به سطوح نابرابر «مالکیت» در توسعه گردشگری است (برنز، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

1. Urry

۳. روش تحقیق

مقاله حاضر حاصل مطالعه‌ای کیفی با رویکردی درون‌نگر و انسان‌شناختی است. با توجه به رویکرد اتخاذ شده، در مطالعه حاضر جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش‌های کیفی همچون مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه و بررسی برخی اسناد صورت گرفته است.

۳-۱. شیوه اسنادی

کلیه مباحث نظری و اسنادی مربوط به انسان‌شناسی اقتصاد گردشگری، از کتاب‌ها و مقاله‌های موجود به زبان فارسی و انگلیسی و جست‌وجوهای اینترنتی اقتباس شده است. به‌منظور بررسی اسناد و اطلاعات مربوط به توسعه گردشگری مازندران نیز ضمن مطالعه اخبار، آمار و مقالات مرتبط با توسعه گردشگری مازندران، به مسئولین برخی شهرها مراجعه و تا حد امکان به جمع‌آوری اسناد پرداخته شد.

۳-۲. مشاهده و مشاهده مشارکتی

در مدت تحقیق، سعی شده با ابزار دقیق پژوهش یعنی چارچوب نظری برآمده از انسان‌شناسی اقتصاد گردشگری به مشاهده همراه با مشارکت در میدان تحقیق پرداخته شود. مشاهده‌ها شامل مشاهده کلیه رفتارها، پدیده‌ها، فضاها و شرایط عینی گسترش‌یافته به‌واسطه گردشگری در چند شهر مازندران (بابلسر، بهشهر، نکا، ساری، چالوس، نوشهر و تنکابن) و چند روستا (منطقه ییلاقی دودانگه، چهاردانگه ساری، کلاردشت و سنگ و ارث در چالوس) است. حضور در مکان‌های مختلف مثل سواحل، مجتمع‌های خرید، هتل‌ها، شهرک‌های گردشگری و روستاها به مدت ۳ ماه و عمدتاً در اواخر هفته و روزهای تعطیل صورت گرفت تا امکان مشاهده تأثیرات حضور گردشگران نیز وجود داشته باشد. در این مدت، محققان بدون جلب توجه دیگران به خرید، تفریح و صحبت با دیگران می‌پرداختند اما به لحاظ رعایت اخلاق علمی در برخی موارد لازم بود تا ماهیت تحقیقی مشاهدات روشن شود. نکته حائز اهمیت در اینجا، ذکر این مورد است که مشاهده محققان بیش از پیش مسبوق تجربه زیسته ایشان است. بنابراین تجربه فردی محققان بومی در این مقاله به کمک توصیف‌ها و تحلیل‌های تحقیق آمده است.

۳-۳. مصاحبه‌های عمیق

به منظور دستیابی به اطلاعات دقیق درباره تأثیرات اقتصادی گردشگری در مازندران با تعدادی از افراد (حدود بیست و هفت نفر) که مؤثر (هفت نفر از گردشگران)، صاحبان سرمایه در بخش گردشگری سه نفر و مسئولین برخی شهرها دو نفر و متأثر (پانزده نفر از ساکنان) از گردشگری هستند، مصاحبه‌هایی به صورت عمیق و طولانی انجام شده است. سؤال‌های مصاحبه به صورت باز و آزاد در راستای پیامدهای اقتصادی گردشگری در مازندران، چگونگی وضعیت مازندران به لحاظ امکانات و رضایت ساکنان از سطح کمی و کیفی زندگی ایشان، طراحی شده و مورد پرسش قرار گرفته است. این بخش از داده‌ها در پیوند با یافته‌های به دست آمده از بخش مشاهده‌ها، محققان را در دستیابی به ارزیابی تأثیرات منفی اقتصادی گردشگری در مازندران یاری کرده است.

۴. یافته‌های تحقیق

مسائل گوناگونی در خصوص گردشگری و پیامدهای اقتصادی آن در مقصد (مازندران) با ذی‌نفعان مختلف (همچون گردشگران، بومیان و مسئولین و غیره) در سطح استان به بحث گذاشته شده است. بر مبنای سؤالات تحقیق و به واسطه روش‌های مختلف تحقیق حاضر (مانند مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه) مقولاتی مستخرج شد که در ادامه ارائه می‌شود.

۴-۱. سطح رضایتمندی ساکنان از وضعیت امکانات

بخش نخست از یافته‌های تحقیق پاسخ به سؤال اول تحقیق است و عمدتاً مبتنی بر یافته‌های مصاحبه‌های صورت گرفته است. به منظور پاسخگویی به این سؤال که آیا توسعه گردشگری در مازندران به توسعه و بهبود امکانات ساختاری زندگی ساکنان بومی انجامیده است یا خیر، سؤالاتی درباره وضعیت امکانات و خدماتی از جمله آب، برق، سوخت، درمان، امکانات رفاهی و غیره از افراد پرسیده شد. نتایج به طور خلاصه در ادامه آمده است:

۱-۱-۴. آب آشامیدنی

هرچند تعدادی از ساکنان (۶ نفر) وضعیت آب آشامیدنی را خوب توصیف کردند، اما دیگران (گردشگران و ۹ نفر از ساکنان) آب منطقه را به دلایل بسیاری، از جمله آلودگی آب‌های جاری و همچنین آلودگی سفره‌های زیرزمینی به علت نفوذ فاضلاب‌ها و شیرابه زباله‌های تر و غیره، نامناسب می‌دانستند. برخی نیز از کمبود آب در فصل تابستان گله‌مند بودند. به‌طور کلی یافته‌های برآمده از مشاهده مشارکتی و مصاحبه، مؤید این واقعیت است که استان به لحاظ کیفیت آب آشامیدنی در جایگاه مطلوبی قرار ندارد.

۱-۲-۴. گاز و برق

در بررسی کیفی مشاهده شد که وضعیت گاز برای مصارف خانگی از نظر ساکنان (۱۰ نفر) و گردشگران (۷ نفر) مناسب است و تنها برخی ساکنان شهرها و روستاها (۳ نفر)، به‌ویژه در غرب مازندران که هنوز از سوخت‌های دیگر مثل گازوییل و نفت استفاده می‌کنند، از این وضعیت ناراضی هستند. دو تن از مهندسين برق و مکانیک شهر چالوس در مصاحبه‌ای که با ایشان درباره امکانات منطقه انجام شد، اذعان داشتند: «در عملیات گازرسانی هیچ‌گونه توجهی به مسائل زیست‌محیطی نمی‌شود و در حقیقت منافع کوتاه‌مدت و رضایت ساکنان منطقه مدنظر بوده است». آنها معتقد بودند: مازندران به دلیل برخورداری از آب و هوای مناسب، شرایط استفاده از انرژی خورشیدی را داراست و می‌توان با سرمایه‌گذاری و مدیریت صحیح، از سیستم‌های جایگزین استفاده کرد تا علاوه بر حل مشکلات کوتاه‌مدت از مسائل پیش‌رو جلوگیری کرد. درباره وضعیت برق استان نیز بیش از ۱۴ نفر از ساکنان و ۷ نفر گردشگران، آن را مناسب توصیف کردند و تنها یک نفر وضعیت برق را در فصل تابستان نامناسب دانست.

۱-۳-۴. امکانات رفاهی

یکی از نکات قابل توجه در مازندران، به زعم پاسخگویان (۱۴ نفر از ساکنان و ۹ نفر از دیگر پاسخگویان) و نیز بر اساس مستندات موجود و مشاهدات صورت گرفته، کمبود امکانات رفاهی برای ساکنان است. فضاهای عمومی مثل پارک‌ها و سینماها حتی جوابگوی ساکنان بومی نیست. در استانی که خودش یک مکان تفریحی برای سایر

هموطنان محسوب می‌شود، جالب است که شهروندان انتخاب‌های محدودی برای گذران اوقات فراغت دارند. در کل استان مازندران تنها ۵۸ کتابخانه عمومی و ۱۲ سالن سینما وجود دارد. این در حالی است که طبق استاندارد کشور، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر باید یک سینما وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، در مازندران با جمعیت بالغ بر ۳ میلیون نفر تعداد حداقل ۳۰ سینما نیاز است. این در حالی است که ۱۱ شهرستان فاقد سینما هستند و بر اساس شاخص‌های محاسبه شده، شهرستان‌های رامسر، تنکابن و چالوس از نظر تعداد سینما به ازای هر ۱۰ هزار نفر و شهرستان‌های سوادکوه، بهشهر و محمودآباد به ازای هر ۱۰ هزار نفر یک سینما دارند (ضرابی و تبریزی، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۵). همچنین ساکنان (۱۴ نفر) از وضعیت سالن‌های ورزش و پارک‌ها نیز رضایت نداشتند.

۴-۱-۴. مراکز درمانی

در بررسی کیفی به‌طور کلی رضایت نسبی (هم ساکنان و هم گردشگران) از وضعیت درمانی وجود داشت. ساکنان (۱۵ نفر) و حتی شهروندان چالوس و تنکابن، از اینکه امکان استفاده از مراکز درمانی بابل و ساری را دارند و مجبور نیستند مانند گذشته به تهران مسافرت کنند، راضی هستند.

۴-۱-۵. جاده و ترافیک

یکی از مشخصه‌های متمایز مازندران با سایر استان‌های غیرشمالی، تراکم جمعیت و نزدیکی شهرها و روستاها است که وضعیت خاصی را به لحاظ بار ترافیکی، خدمات حمل‌ونقل و جاده‌ای ایجاد می‌کند. مهم‌ترین مسئله‌ای که به زعم مصاحبه‌شوندگان (۲۰ نفر) در بحث ترافیک و تصادف جاده‌ای در مازندران مطرح است، کمبود و وضعیت نامناسب جاده‌ها است. نارضایتی کلی مصاحبه‌شوندگان از این مسئله در زمان تعطیلات و آخر هفته‌ها و با چندین برابر شدن حضور مسافران بیشتر می‌شود. آنها اصولاً اقداماتی که در مدیریت راه‌ها صورت می‌گیرد را متوجه جاده‌های برون‌شهری می‌دانند و معتقدند: در اکثر شهرهای مازندران سازوکار مناسبی برای بهبود وضعیت جاده‌های درون‌شهری وجود

۱. در حالی که در سال‌های اخیر ۱۶ سینما در شهرهای مختلف مازندران تخریب و یا تعطیل شده و جای خود را به برج‌ها و پاساژها داده‌اند، تنها یک سینما به ظرفیت استان افزوده شده، به‌طوری که ۱۱ شهر ساحلی مازندران فاقد سینماست (روزنامه ایران، شماره ۴۸۹۲، ۲۷/۶/۹۰: ۲۳).

ندارد. تعدادی از آنها (۱۳ نفر) علاوه بر شکایت از وضعیت مدیریت راه‌ها، از قوانین حاکم بر ساخت و سازهای شهری نیز گله‌مند هستند. آنچه در بالا ذکر شد نیم‌رخ‌ی از وضعیت امکانات ضروری زندگی در مازندران است که در مقایسه با رشد روزافزون فعالیت گردشگری در این استان، سطوح «توسعه نیافته» توسعه را نشان می‌دهد. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و نیز مشاهده برخی شرایط ساختی و زیرساختی در مازندران حاکی از آن است که توسعه محلی همگام با رشد گردشگری در منطقه پیش نرفته است.

۲-۴. گردشگری به مثابه زمینه تقابل

در پاسخ به سؤال دوم، مهم‌ترین تأثیرات اقتصادی گردشگری از دید مصاحبه‌شوندگان و نیز مشاهدات محققان در مقولات زیر طبقه‌بندی و کدگذاری شده‌اند. در این بخش به منظور تحلیل یافته‌ها از رویکرد دوگانگی استفاده می‌شود. زمینه اصلی این نظریه همان‌طور که گفته شد، پرداختن به سطوح نابرابر «مالکیت» و «تضاد منافع» در توسعه گردشگری است.

۱-۲-۴. عدم ثبات قیمت‌ها

از جمله تأثیرات اقتصاد گردشگری در انسان‌شناسی بحث قیمت‌ها در بخش فعالیت‌های عمومی در منطقه است. طبق نظر اکثر پاسخگویان (۱۹ نفر) و نیز بر اساس تجربه فردی نگارندگان، نوسان قیمت‌ها و سیر صعودی آنها ملموس‌ترین واقعیتی است که در مواجهه با افزایش حضور گردشگران در ایام تعطیل سال و تعطیلات آخر هفته، به‌ویژه در فصل‌های بهار و تابستان زندگی در مازندران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قیمت معمول بسیاری از خدمات و کالاها در ایام تعطیل گاه تا چند برابر افزایش می‌یابد، چنانکه بسیاری از ساکنان ترجیح می‌دهند خریدهای خود را به اوایل هفته که خلوت‌تر است محول کنند. تجربه فردی (نگارندگان) نشان می‌دهد که در بعضی نقاط، مثلاً در منطقه کلاردشت و نمک‌آبرود در چالوس و منطقه پارکینگ‌های بابل‌س به هیچ‌عنوان نمی‌توانید بر اساس قیمت‌های برچسب شده کالاها را خریداری کنید و حتماً باید از فروشنده سؤال کنید. انتظار همسان بودن قیمت یک جنس نیز در یک بازارچه کوچک بیهوده است. قیمت

اجناس ضروری (مانند میوه و سبزی و برنج) و خدماتی (مثلاً خشکشویی) تفاوت فاحشی با بیشتر مناطق کشور دارد. مثلاً اقلامی که محصول منطقه است قیمتشان نسبت به بازار تهران (به عنوان خریدار محصولات شمال) بالاتر عرضه می شود. وقتی از فروشندگان علت را جویا می شویم، تقاضای گردشگران را بیان می کنند.

همچنین افزایش بی رویه قیمت ها به ویژه قیمت زمین، قیمت بالای اجاره ها و خرید مسکن نیز به بیان اکثر مصاحبه شوندگان، بیش از حد توان مالی قشر متوسط و پایین جامعه مازندران است و تنها دلالتان و سرمایه گذاران کلان از این شرایط سود می برند.

۲-۲-۴. نابرابری فرصت های شغلی

یکی دیگر از موارد حاکی از نابرابری اقتصادی و اجتماعی برآمده از گردشگری در مازندران، فرصت های نابرابر شغلی است. طی مشاهدات و مصاحبه هایی که در فرایند تحقیق صورت گرفت، دو گروه عمده از شاغلین در بخش گردشگری شناسایی شدند که عبارتند از:

۱. مشاغل سطح پایین: مانند نگهبانی، فروشندگی، رانندگی و مشاغل کاذبی مانند دست فروشی، واسطه گری اجاره ویلا (تابلو به دست های مبلغ ویلا) و نظیر اینها که عمدتاً توسط افراد محلی اشغال شده اند.

۲. مشاغل سطح بالا: مانند مشاغل مدیریتی (مثلاً مدیریت هتل و رستوران ها) و صاحبان فروشگاه های بزرگ و غیره که به سرمایه دارن شهری و یا غیربومیان (عموماً افرادی از تهران) تعلق دارد.

واضح است شکاف عمیقی که میان این فرصت های شغلی به لحاظ درآمد و منزلت وجود دارد، باعث اصطکاک و نابرابری می شود.

۳-۲-۴. قشر بندی مالی

گردشگری با ایجاد بستری برای خلق فرصت های نابرابر شغلی، زمینه تعارض درآمدی را پدید می آورد. مشاهده و مصاحبه ها نشان می دهد که شکاف عظیمی بین میزان درآمد برخی مشاغل وابسته به گردشگری مثل دلالتی زمین و ویلا، صاحبان مراکز خرید و هتل ها، صاحبان ویلاها و شهرک های اجاره ای با مشاغل مرتبط با کشاورزی، باغداری و

کسب و کارهای کوچک وجود دارد. با مصاحبه با چند تن از کارکنان در مشاغل مختلف مشخص شد که درآمد روزانه یک فروشگاه بزرگ البسه در نوروز و یا تابستان از مرز ۱۰ میلیون تومان می‌گذرد که گاه با کل درآمد سالیانه یک کشاورز سطح متوسط به بالای برنج کار برابری می‌کند. به طور کلی تعداد معدودی به سودهای هنگفتی در جریان رشد گردشگری در منطقه دست می‌یابند. ضمن اینکه اکثر درآمدها (مشاغل بخش گردشگری و بسیاری مشاغل دیگر چون کشاورزی، بازار و غیره) در مازندران به شدت فصلی است و این مسئله حاکی از آن است که گردشگری به ایجاد درآمدهای مناسب منجر نشده است. به طور کلی مشاهدات و یافته‌های برآمده از مصاحبه‌ها نشان از گسترش و عمق یافتن توزیع ناعادلانه درآمدها، شکاف اقتصادی لایه‌های درونی اجتماع مقصد گردشگری دارد. ادامه چنین فرایندی احتمال عدم پذیرش گردشگران از سوی عمده ساکنان منطقه که غالباً از قبل گردشگری ذی‌نفع نیستند را در طول زمان شدت می‌بخشد.

۴-۲-۴. زوال اقتصاد محلی

تقابل در منافع گردشگری در زمینه دیگری نیز ظهور می‌یابد و آن تقابل بین اقتصاد بومی و اقتصاد گردشگری است. با مشاهده و همچنین مصاحبه با ساکنان مشخص شد که بسیاری از مازندرانی‌ها مشاغل خانوادگی خود را که عمدتاً کار در مزارع کشاورزی بوده است، رها کرده‌اند. از جمله دلایل این امر، هزینه‌های زیاد و سود اندک کشاورزی است. این در حالی است که اصولاً هر سیاست‌گذاری مستلزم توجه به زمینه ساختاری جامعه‌ای است که در صدد اجرای سیاست در آن بستر است. اکوسیستم مازندران حائز شرایط ویژه در بخش کشاورزی است. مازندران یکی از استان‌های مهم تولیدکننده بخشی از برنج و مرکبات کشور است. توسعه پایدار، مستلزم موازنه‌ای میان میزان بهره‌گیری از پتانسیل‌های گردشگری و اکوسیستمی استان است، حال آنکه واقعیت‌ها مغایر با این امر است. تغییر شدید کاربری اراضی از طریق فروش اراضی کشاورزی ناحیه جلگه‌ای با هدف شهرک‌سازی و ویلاسازی به عنوان یک موج سوداگری زمین در ناحیه جلگه‌ای پس از اشباع ناحیه ساحلی یکی از چالش‌های مهم در استان است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹). توجه به تبدیل سی‌هزار هکتار اراضی مرغوب زیر کشت برنج به باغ‌های مرکبات و ویلاهای تفریحی، زنگ خطر است برای مسئولین امر در پیشگیری از این خطر که

زمین‌های زیر کشت برنج را تهدید می‌کند.

هرچه به حاشیه سواحل مازندران نزدیک‌تر می‌شوید، بر تعداد مجتمع تجاری، ویلاها و آپارتمان‌ها در کنار مزارع زراعی افزوده می‌شود. زمین‌هایی که تا چند سال قبل جزء مزارع شالی و صیفی‌جات بودند، اکنون در معرض فروش و ساخت وساز قرار دارند. این امر از چند جهت چند مورد اعتراض کشاورزان منطقه است.

رها کردن فعالیت‌های اقتصادی پایه مثل کشاورزی و روی آوردن به گردشگری و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با گردشگری و مهاجرت از نواحی روستایی به قطب‌های گردشگری و سواحل دریای خزر (جابه‌جایی در اشتغال افراد بومی) مثل رانندگی ماشین، فروشگاه مواد غذایی و اجاره دادن منازل مسکونی و غیره نشان می‌دهد که نسل جوان بومی انگیزه چندانی برای ادامه فعالیت کشاورزی در شمال نیست و به شغل‌های مرتبط با گردشگری گرایش بیشتری پیدا کرده است (همان: ۱۵۰).

غلبه گردشگری بر کشاورزی علاوه بر پیامدهای منفی در جهت خرد شدن تدریجی اقتصاد بومی، برهم خوردن بخشی از هویت و فرهنگ جامعه مازندرانی، نقش مهمی در تعادل بازار برنج داخلی و وابستگی به صادرات این محصول ایفا خواهد کرد. در بحث اقتصاد بومی در کنار بی‌توجهی به کشاورزی باید غفلت از صنایع دستی را نیز اضافه کرد. زوال تدریجی اقتصاد بومی و ترک فعالیت مردم منطقه از کارهای قبلی و روی آوردن به مشاغلی که عمدتاً ناپایدارند بخشی از پیامدهای اقتصادی گردشگری است که در طول چند سال اخیر دامنگیر مازندران شده است. برآیند چنین شرایطی نه تنها ناپایداری اقتصادی محلی، بلکه بخش مهمی از هویت و بنیان فرهنگی منطقه را در معرض اضمحلال قرار داده است.

۴-۲-۵. محرومیت مردم محلی از دسترسی به منابع طبیعی

بی‌تردید یکی از نمادهای توسعه ایجاد فضای عادلانه است. عدالت اجتماعی در برخورداری از منابع طبیعی بخش مهمی از شرط وقوع توسعه به معنای اعم کلمه است. نمونه‌های متعددی در مازندران وجود دارد که در آن ساکنان محلی دسترسی به منابع محلی طبیعی را به دلیل توسعه صنعت گردشگری از دست داده‌اند. مناطق وسیعی از نوار ساحلی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خریداری شده و مورد بهره‌برداری شخصی یا

سازمانی قرار گرفته است. به این ترتیب ساکنان علاوه بر زمین، فضای بازی و تفریح و همچنین محل کار (ماهیگیری) خود را از دست داده‌اند و منابع آب و انرژی را هم باید با دیگرانی که به دلایل مالی یا سیاسی در اولویت قرار دارند، شریک شوند. جامعه ساکنان بومی مورد مطالعه (۱۳ نفر) از این وضعیت راضی نیستند و از این وضعیت با عناوینی مثل «ضایع شدن حق»، «تجاوز به حریم طبیعت» و «بی‌عدالتی» نام می‌برند.

۴-۲-۶. نابرابری فضایی

از پیامدهای گسترش روابط حاشیه - مرکز روند تفکیک فضایی در جامعه حاشیه است. گسترش ساخت و سازها در بخش ویلاسازی و خانه‌های دوم رویه جدیدی از نابرابری فضایی را در شهرهای استان سبب شده است. طبق یافته‌های مشاهده‌ای در ساری، بابلسر، چالوس، نور و تنکابن، هرچه به سمت ساحل دریا نزدیک‌تر می‌شوید، تعداد ویلاهای مجلل و خانه‌هایی با نمای سنگ‌های گران قیمت و ماشین‌های مدل بالا زیادتر می‌شود. در این شهرها تفکیک شهر به لحاظ بالا شهری و پایین شهری به وضوح قابل مشاهده است. در سطحی کلان‌تر، رونق نوار ساحلی و برخی نواحی جلگه‌ای در مقابل محرومیت سایر نقاط به‌ویژه روستایی مازندران نیز به نوعی شکاف مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را مشخص می‌سازد، شکافی که قبل از هر چیز ناشی از ارزش ریالی زمین‌های یک ناحیه خاص است.

۴-۲-۷. مخاطرات زیست محیطی

در حال حاضر در مازندران روزانه بیش از ۲ هزار تن زباله بدون مدیریت تولید می‌شود.^۱ حال آنکه در نتیجه فشار و تراکم جمعیت ساکن و گردشگر در منطقه، این روند تشدید خواهد شد. حواشی شهر ساری سال‌هاست که مأمون انباشتی از زباله‌هاست. این امر به شدت و قلت در دیگر شهرهای استان نیز مشاهده می‌شود. مشاهدات نگارندگان مقاله از جنگل‌های استان چون هزارجریب نکا، دودانگه و چهاردانگه ساری، جنگل چالوس،

۱. گزارش ایرنا: محمدجواد محمدی‌زاده، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در نشستی با کارگروه سلامت استان این مسئله اشاره کرده است که روزانه ۲ هزار و ۳۰۰ تن زباله در استان تولید می‌شود. از سوی دیگر با مشکل استفاده نادرست از سموم و کود شیمیایی مواجه هستیم (<http://babolname.com/?Page=ViewPost&ID=2309> / ۱۳۹۰/۸/۲۵).

عباس آباد کلاردشت و حواشی رودخانه‌ها چون تجن، بابل رود و سردآبرود مؤید این واقعیت است که در ایام حضور گردشگران در منطقه، انبوه وسایل یک بار مصرف و سایر زباله‌های بازیافتی و غیربازیافتی چهره نازیبایی به فضا غیر از بحث بهداشتی می‌دهد. حال آنکه تدابیر مؤثری در خصوص بازیافت زباله یا مدیریت زباله‌ها در چند سال اخیر عملیاتی نشده است.

اما نکته جالب توجه در مصاحبه‌ها آن بود که کمتر از ۴ نفر از مصاحبه شونده‌گان به تأثیرات منفی زیست محیطی اشاره داشتند. شاید به این دلیل که عموماً آگاهی عمومی نسبت به تأثیرات سوء اقتصادی آلودگی‌ها و مخاطرات زیست محیطی کم است. نتایج تحقیقی که پیش از این توسط جعفر صالحی صورت گرفته نشان می‌دهد: هرچند درک شدت مسائل زیست محیطی مثل تخریب جنگل‌ها یا آلودگی هوا بالا (میانگین ۷ و ۷/۱۴ از ۱۰) است و بعد از مواد مخدر مهم‌ترین مسائل مبتلا به جامعه ارزیابی شده‌اند، اما درک اقتصادی از منابعی چون خاک، آب، دریا، تالاب‌ها و غیره از اهمیت کمتری نسبت به مثلاً نفت و گاز برخوردارند (جعفر صالحی، ۱۳۸۸: ۶۵). وضعیت موجود حاکی از آن است که آلودگی زیست محیطی و تخریب محیط زیست به واسطه حضور گردشگران مشکل حل نشده و خطر جدی برای امنیت و پایداری ثروت‌های غیرقابل تجدید این استان و مهم‌تر از آن سرمایه ملی کشور است.

نکته قابل تأمل در فرایند تبدیل توسعه گردشگری به زمینه‌های تقابل، همپوشانی و تأثیر متقابلی است که این زمینه‌ها با یکدیگر پیدا می‌کنند و در جهت تقویت یکدیگر برمی‌آیند. بنابراین به میزانی که گردشگری بدون در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه پایدار اقتصادی مثل ثبات قیمت‌ها، درآمد مناسب، فرصت‌های شغلی برابر، اقتصاد بومی، محیط زیست و غیره توسعه می‌یابد، به همان میزان و شاید حتی با شدتی تصاعدی سطوح نابرابری‌ها را در هر شاخص و مقوله افزایش می‌دهد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بی‌تردید شکوفایی و توسعه از ورای گسترش صنعت گردشگری در مازندران همچون تیغی دولبه است، چراکه شواهد و یافته‌ها مؤید مخاطرات متعدد در جامعه مقصد گردشگری است. در بررسی کیفی مشخص شد که با گذشت نزدیک به نیم قرن سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی، کماکان گردشگری مازندران نتوانسته است سهم چندانی در

توسعه منطقه از آن خود کند. هرچند وضعیت زندگی ساکنان به لحاظ توسعه زیرساخت‌های عمومی و شرایط کلی تا حدودی رضایت‌بخش توصیف شد، اما این در روند توسعه گردشگری نقش چندانی نداشته است.

به‌طور کلی نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها و مشاهدات نشان می‌دهد، توسعه منطقه‌ای از لحاظ بعد اقتصادی پایدار در مازندران صورت نگرفته است. رضایت نسبی از وضعیت امکانات و توسعه زیرساخت‌های عمومی در میان جامعه مورد مطالعه وجود ندارد و در بهترین حالت تغییرات مثبت ناشی از توسعه ملی و نه توسعه گردشگری استان دانسته می‌شود. همچنین طی مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد که محقق نشدن برخی از مؤلفه‌های اقتصاد پایدار، همچون درآمد مناسب، ثبات قیمت کالا و خدمات، برابری فرصت‌های شغلی، توزیع عادلانه منافع و دسترسی عادلانه به منابع و حفظ محیط زیست به‌عنوان مهم‌ترین تأثیرات منفی گردشگری مورد انتقاد قرار گرفته است.

به زعم پاسخگویان و همچنین بر اساس مشاهدات انجام شده، گردشگری به افزایش شدید قیمت‌ها به‌خصوص در بخش زمین منجر شده است. از بین رفتن مشاغل مربوط به کشاورزی و پرورش حیوانات خانگی و غیره از جمله آشکارترین جنبه‌های نقد منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت گردشگری در مازندران است. دور شدن از مشاغل پدران و روی آوردن به مشاغل کاذبی که تنها وابستگی و مخاطره امنیت شغلی را برایشان به همراه دارد، از دغدغه‌ها و آسیب‌هایی است که متوجه ساکنان پذیرنده سیاست‌های مرکز است.

سطوح نابرابر مالکیت و منافی که همگان در آن سهمی یکسان ندارند روی دیگر سکه توسعه گردشگری در مازندران است. عدالت اجتماعی، آشتی منافع محلی، منطقه‌ای و ملی امر لاینحلی است که ورای ارقام کلان در آمدی ناشی از حضور گردشگران در مازندران از نگاه‌ها پنهان نگاه داشته می‌شود. زمانی می‌توان مدعی توسعه از پی گردشگری بود که توزیع عادلانه منافع در ابعاد مختلف برای ساکنان مقصد محقق شود. همان‌طور که ذیل عنوان شاخص‌های پایداری در بخش یافته‌ها نشان داده شد، گردشگری در مازندران نتوانسته امکان برابری منافع را در بحث پایداری اقتصادی به وجود آورد. نامتقارن بودن توزیع قدرت در روابط مهمان و میزبان به تغییر عمده در نگاه، احساس و رفتار گردشگران و در کل صنعت گردشگری به منطقه مازندران منجر شده است. مصرفی شدن منطقه، بروز زمینه‌های نابرابری اقتصادی بین گروه‌های کوچک/بزرگ، ایجاد مناطق توسعه یافته/

توسعه نیافته و نادیده گرفتن اقتصاد بومی از جمله پیامدهای منفی این تغییرات است که به نحو فزاینده‌ای در حال گسترش است.

به‌واقع، فرایند ناشی از شکل‌گیری سطوح نابرابر شغلی، شکاف درآمدی، محدودیت دسترسی به منابع طبیعی و دیگر موارد ذکر شده زمینه ایجاد فرصت‌ها و محدودیت‌های منافع را در منطقه پدید آورده است. نابرابری بزرگ/کوچک اشاره به شکاف بزرگی است که بین درآمدهای کلان تعداد محدودی از نافعان و صاحبان سرمایه و درآمدهای ناچیز عده زیادی از ساکنان محلی وجود دارد. واضح است که سود گروه کوچک نافعان که عموماً سرمایه‌گذاران غیربومی و یا سرمایه‌گذاران و مسئولان رده‌بالای منطقه هستند، در توسعه منطقه‌ای مثلاً در بخش بهبود امکانات عمومی و خدمات بهداشتی و یا آموزشی هزینه نمی‌شود. بنابراین به‌جای ساخت مدرسه و بیمارستان برای مردم بومی، هتل، استخر شنا و رستوران به حد کافی ساخته شده است. به عبارت دیگر به‌جای سرمایه‌گذاری برای تأمین بهداشت، تعمیم بیمه درمانی، فراهم آوردن امکانات آموزشی یا سایر خدمات اجتماعی مورد نیاز مردم مازندران، سرمایه‌های ملی توسعه گردشگری کانالیزه شده است، در نتیجه سهم مردم محلی از گردشگری اندک است.

واقعیت‌های ارائه شده بیانگر آن است که تجربه گردشگری در مازندران در بعد پایداری اقتصادی موفق عمل نکرده است. چنانکه ساکنان محلی در قبال منابع طبیعی و اجتماعی که از دست داده‌اند، چیز زیادی نصیبشان نشده است. سطوح نابرابری در میان قشرهای مختلف روز به روز پررنگ‌تر می‌شود، اقتصاد بومی در حال نابودی است و مازندران به‌مثابه یک کالای تفریحی در حال مصرف شدن است.

۶. راهبردها و راهکارها

به مدد نتایج پژوهش حاضر که نمایانگر عوامل متعدد منجر به ناکارآمدی گردشگری در ابعاد مختلف منتهی به تغییرات اقتصادی نامطلوب در مازندران شده است، می‌توان برخی راهبردها و راهکارها را در بخش سیاست‌گذاری و اجرایی بیان کرد.

- لازم است نه تنها در مازندران، بلکه در هر منطقه‌ای، قبل از تدوین هر سیاست و برنامه توسعه‌ای چون گردشگری، شرایط زیرساختی منطقه و چگونگی حیات زیست بوم ساکنان منطقه لحاظ شود تا تداخلی در پیامدهای برنامه‌ها با واقعیت‌های موجود و تصوراتی که در پی نیل به وضعیت مطلوب هستند، رخ

ندهد.

- تدوین بسته‌های مختلف اشتغال مرتبط با صنعت گردشگری از سوی برنامه‌ریزان و مدیریت در هدایت بومیان منطقه در نیل به مشاغل تعیین شده از مواردی است که تا حدودی می‌تواند زمینه‌آفرین‌بخشی پیامدهای مثبت اقتصادی گردشگری را محقق سازد.
- تدوین سیاست‌گذاری‌هایی در جهت توزیع عادلانه منافع گردشگری در جامعه مقصد.
- به دلیل اینکه عمده شهرهای مازندران کوچک هستند. برنامه‌ها و سیاست‌های در شهرهای ساحلی چون بابلسر، نور و غیره اتخاذ شود تا تردد وسایل نقلیه توسط گردشگران ممنوع شود تا عواقب آلودگی‌ها و زیبایی‌شناختی ناشی ازدحام تردد وسایل نقلیه کاهش یابد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آقاجانی، حسن‌علی، مریم رشیدی و نقی ولی‌نتاج (۱۳۸۹). «رابطه تعاملی گردشگری و توسعه پایدار»، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجتماعی - امنیتی در سواحل دریای خزر، دانشگاه مازندران معاونت پژوهشی دانشگاه و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، بابلسر: انتشارات دانشگاه، ۲۱۷-۱۹۱.
- برنز، پیتز (۱۳۸۵). درآمدی بر مردم‌شناسی گردشگری، ترجمه هاجر هوشمندی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- تبریزی، نازنین و سارا کلانتری (۱۳۸۹). «سنجش ضرورت وجود الگوی یکپارچه در مدیریت گردشگری سواحل دریای خزر»، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجتماعی - امنیتی در سواحل دریای خزر، دانشگاه مازندران معاونت پژوهشی دانشگاه و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی: ۸۱-۴۷.
- جعفر صالحی، سحر (۱۳۸۸). «بررسی الگوهای رفتاری گردشگران در محیط زیست مقصد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بابلسر، دانشگاه مازندران.
- حسینی، حسن، داود ستارزاده و فاطمه آریانژاد (۱۳۸۹). «حضور مسافر و جاذبه‌های طبیعی و تبعات فرهنگی، اجتماعی و امنیتی گردشگران در سواحل مازندران»، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجتماعی - امنیتی در سواحل دریای خزر، دانشگاه مازندران معاونت پژوهشی دانشگاه و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی: ۱۵۸-۱۳۸.
- شکرگزار، اصغر (۱۳۸۹). «اقتصاد و گردشگری ساحلی خزر»، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجتماعی - امنیتی در سواحل دریای خزر، دانشگاه مازندران معاونت پژوهشی دانشگاه و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، بابلسر: انتشارات دانشگاه: ۲۴۴-۲۱۹.
- ضرابی، اصغر و نازنین تبریزی (۱۳۸۸). «شناخت و بررسی تطبیقی شهرستان‌های استان مازندران از نظر شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش طرح مسائل اجتماعی استان مازندران، انتشارات دانشگاه مازندران، جلد اول: ۱۰۵-۸۹.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۹). ارزیابی تأثیرات اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان.
- قدمی، مصطفی (۱۳۹۰). «ارزیابی و تدوین استراتژی مقصد در چارچوب توسعه پایدار گردشگری نمونه مورد مطالعه: کلان شهر مشهد»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم: ۵۹-۸۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵:
<http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=871>.

ب) منابع لاتین

- Crick, Malcolm (1989). "Representations of International Tourism in the Social Sciences: Sun, Sex, Sights, Savings, and Servility", *Annual Review of Anthropology*, 18: 307-344.
- <http://toloe5.blogfa.com/9008.aspx>.
- Jafari, J. (1990). *Research and Scholarship: The Basis of Tourism Education*, *J. Tour. Stud.* 1.
- Mansperger MC. (1995). *Tourism and Cultural Change in Small-scale Societies*, Hum.org.
- Neveling, Patrick and Wergin, Carsten (2009). "Projects of Scale-making: New Perspectives for the Anthropology of Tourism", *etnográfica*, novembro, 13 (2): 315-342.
- Saarinen, Jarkko (2004). "Destinations in Change: the Transformation Process of Tourist", *Tourist Studies*, 4 (2): 161-179.
- Smith V, ed. (1989). *Hosts and Guests: The Anthropology of Tourism*. Philadelphia: Univ. Penn, Press. 2nd ed.
- Stronza, Amanda (2001). "Anthropology of Tourism: Forging New Ground for Ecotourism and Other Alternatives", *Annu. Rev. Anthropol.* 2001. 30: 261-8.
- Vickers WT. (1997). "The New Invaders: Siona- Secoya Responses to Thirty Years of Tourism" Presented at 20th Int. Congr. Latin Am. Stu. Assoc., Guadalajara, Mexico.